

چرا نسل‌کشی میانمار سیاسی است؟

البته ممکن است در این حادثه تعصب مذهبی تأثیر داشته باشد اما این قضیه، یک قضیه سیاسی است، زیرا مجری آن، دولت میانمار است و در رأس آن دولت نیز زنی بی‌رحم قرار دارد که برنده جایزه صلح نوبل بوده و با این اتفاقات در واقع، مرگ جایزه صلح نوبل رقم خورد.



البته ممکن است در این حادثه تعصب مذهبی تأثیر داشته باشد اما این قضیه، یک قضیه سیاسی است، زیرا مجری آن، دولت میانمار است و در رأس آن دولت نیز زنی بی‌رحم قرار دارد که برنده جایزه صلح نوبل بوده و با این اتفاقات در واقع، مرگ جایزه صلح نوبل رقم خورد.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، تصویری که در سال ۲۰۱۳؛های اخیر از آنگ سان سوچی، سیاستمدار برمه‌ای در رسانه‌های غربی به نمایش در آمده، تصویر زنی مدافع حقوق بشر است که برای همین هم توانسته است جایزه نوبل را در سال ۲۰۱۳ دریافت کند. حتی بازداشت خانگی او نیز، به همین موضوع حقوق بشری ربط داده شده است. اما آیا واقعاً مسئله حقوق بشری بود؟ به هیچ وجه.

او به این دلیل بازداشت شد که بعد از انتخابات ۱۹۹۰ با فشار نظامیان در تشکیل دولتی بر اساس امیال حزب متبوعش یعنی اتحاد ملی برای دموکراسی ناکام مانده بود. سوچی نه به واسطه پاسداری از حقوق مردم میانمار، که به خاطر اهداف حزبی و سیاسی خود، در تضییقات نظامیان قرار گرفته بود. چه اینکه وقتی سروصدای بین‌المللی علیه حکومت نظامیان و اقداماتشان نسبت به خانم سوچی بالا گرفت و وی توانست دوباره به صحنه سیاسی کشورش بازگردد و نه تنها هیچ سخنی از حقوق بشر نگفت که سریعاً هم به دنبال در دست گرفتن قدرت و بازگشت حزب متبوعش به ارکان قدرت رفت.

در حقیقت او نه یک فعال حقوق بشر، بلکه یک رهبر سیاسی بود. وقتی هم به دلیل همنوا کردن مردم با سیاست‌های خود در سال ۲۰۱۲ در انتخابات پارلمانی پیروز شد هیچ سخنی از حقوق بشر به میان نیامد که هیچ، در دوران زعامت او با جنایتی بزرگ علیه مسلمانان و آن‌گونه که سازمان ملل متحد گفته با پاک سازی نژادی در میانمار مواجه هستیم.

حالا یک عضو پارلمان اروپا روز دوشنبه از رئیس پارلمان خواسته در مورد صلاحیت آنگ سان سوچی برای دریافت جایزه صلح نوبل که در سال ۲۰۱۳ دریافت کرده، بازبینی جدی صورت بگیرد. موضوعی که نشان می‌دهد یا آکادمی صلح نوبل در اعطای جایزه‌اش به سوچی دچار اشتباه شده، یا سوچی به خوبی نقش اپوزیسیون سیاسی را تبدیل به فعال مظلوم حقوق بشر کرده، یا غرب به دنبال بزرگنمایی از غربگرایان سیاسی است.

[*] موضوع فراتر از یک مسئله مذهبی است

وب‌سایت کانورسیشن؛ تفاوت‌های مذهبی و قومی به‌طور گسترده‌ای معیار آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. اما دشوار است که باور کنیم که عوامل دیگر در این مسئله نقش بازی نمی‌کنند. به خصوص اینکه میانمار دارای ۱۳۵ گروه رسمی نژادی به رسمیت شناخته شده است... اما مسائلی وجود دارد که بررسی نمی‌شوند. همچنین مهم است که فراتر از تفاوت‌های مذهبی و قومی با سایر علل ریشه‌ای آزار و شکنجه، آسیب‌پذیری و جابه‌جایی مواجه هستیم.

نویسنده این یادداشت ادامه می‌دهد: ما باید منافع سیاسی و اقتصادی را به عنوان عوامل مؤثر در جابه‌جایی اجباری در میانمار نه فقط از مردم روهینگیا، بلکه اقلیت‌های دیگر مانند کچین، شان، کارن، چین و مون، در نظر بگیریم. گرفتن زمین و مصادره در میانمار گسترده شده است. این یک پدیده جدید نیست.

از دهه ۱۹۹۰، خونتون‌های نظامی سرزمین خرده‌مالکان را در سراسر کشور بدون جبران خسارت و صرف‌نظر از قومیت و یا وضعیت مذهبی از بین بردند. اغلب زمین برای پروژه‌های توسعه، از جمله توسعه پایه‌های نظامی، بهره‌برداری و استخراج منابع طبیعی، پروژه‌های بزرگ کشاورزی، زیرساخت‌ها و گردشگری، گرفته شده است. به عنوان مثال، در کچین، ارتش بیش از ۵۰۰ هکتار زمین

روستاییان را برای حمایت از استخراج طلا گسترده استخراج کرد.

چند سال پیش نیز که فاجعه زwnj&ای مشابه همین اتفاقات امروز در مورد مسلمانان میانمار اتفاق افتاده بود، روزنامه نیویورک تایمز در این زwnj&باره چنین نوشته بود: «شورای نظامی که در سال ۱۹۶۲ به قدرت رسید، دائماً به دنبال این بوده است که با تحریک خشونت علیه گروه زwnj&های اقلیت، حمایت عمومی کسب کند. این شورا قوم روهینگیا را از حق شهروندی، آموزش و تملک زمین خلع کرد».

شورای مزبور حتی یک سیاست «دو بچه» بر خانواده زwnj&های روهینگیا تحمیل کرد تا جمعیت آنها را محدود کند. آنگ سان سو چی، رهبر جنبش دموکراسی زwnj&خواه و برنده جایزه نوبل، به شکل شرم زwnj&آوری سکوت پیشه کرده است و تنها مایل است خشونت را به زwnj&طور کلی محکوم کند. اعضای حزب او یعنی «اتحاد ملی برای دموکراسی» آشکارا در سازمان زwnj&های تندروی ضد روهینگیا دخیل هستند.

چنین نیست که اصول مکتب بودیسم در این قتل عام زwnj&ها مقصر باشد، بلکه کسانی که مصمم به ایجاد درگیری هستند ردای دین را برای کسب مقبولیت و توجیه اعمالشان به تن کرده اند. بی زwnj&شک، مذهب در چنین درگیری زwnj&هایی نقش دارد اما اشتباه است اگر این درگیری زwnj&ها را کاملاً دینی بدانیم. وقتی گروه زwnj&ها برای کسب قدرت سیاسی از دین بهره می زwnj&گیرند، نقش دین غالباً ایجاد هویت زwnj&های متعصبانه است که با آن می زwnj&توان دیگر گروه زwnj&ها را غیر انسانی جلوه داد و اعمال گروه خود را توجیه کرد.

البته اینکه آیا این موضوع، آن زwnj&چنانکه نیویورک تایمز اذعان کرده، صرفاً مسئله زwnj&ای داخلی است یا پای موضوعات دیگری همچون دخالت بیگانگان (نظیر کشورهای چون عربستان یا رژیم صهیونیستی) به دلیل اهمیت اقتصادی- سیاسی این کشور در میان است نیز موضوعی است که باید کارشناسان به آن توجه کرده و تحلیل زwnj&های درست و جامعی درباره آن ارائه کنند.

نگارنده: رضا رحمتی/ دانشجوی دکتری روابط بین زwnj&الملل